مجلۀ علمی– تحقیقی تاج
Taj Academic and Research Journal

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۲۳
Print ISSN: 2664-9144

سیاست جنایی تقنینی زیست‌محیطی افغانستان در سنجه‌ی بین‌المللی با تـأکید بر قانون محیط زیست افغانستان و اسناد بین‌المللی محیط زیست

سید ابراهیم کاظمی[۱]، دکتر بهزاد رضوی فرد[۲]

چکیده

در سیاست جنایی افغانستان، در قبال محیط زیست دو جنبه کنشی/ پیش‌گیرانه و واکنشی به چشم می‌خورد. در بخش عمده قوانین و مقررات نافذ در حوزه محیط زیست افغانستان مانند قانون محیط زیست این کشور، توجه بیشتر به پیش‌گیری وجود دارد و همه انواع آن مانند پیش‌گیری‌های اجتماعی، وضعی و تقنینی را در خود جای‌داده است، اما همچنان، از جنبه واکنشی و کیفرگذاری نیز غافل نمانده و ضمن تبیین مصادیق مختلف جرم زیست‌محیطی، مجازاتی را نیز برای مرتکبان آن در نظر گرفته است. با در نظر داشت وجود این دو جنبه در سیاست جنایی زیست‌محیطی افغانستان و مقایسه آن با سیاست جنایی در سطح بین‌المللی و حتی منطقه‌ای، به‌خوبی روشن می‌شود که سیاست پیش‌گیرانه مطابق اسناد بین‌المللی زیست‌محیطی از جمله کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی مانند ریو، استکهلم و غیره به جنبه پیش‌گیری از جرایم زیست‌محیطی پرداخته و شیوه‌های مختلف پیش‌گیرانه را مورد تأکید قرار داده است. به دلیل درنظرگرفتن صلاحیت داخلی کشورها در رسیدگی به این نوع جرایم، جنبه واکنشی در برخی موارد به‌صورت کم‌رنگ و حتی در مواردی هرگز مورد توجه قرار نگرفته است. در این نوشتار، ضمن تعریف برخی مفاهیم اساسی و مرتبط به سیاست جنایی زیست‌محیطی در عرصه‌ی تقنینی، سعی شده است این دو جنبه کنشی و واکنشی در پرتو قوانین زیست‌محیطی افغانستان و اسناد بین‌المللی مورد ارزیابی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: محیط زیست، افغانستان، جرم زیست‌محیطی، سیاست جنایی، زیست‌محیطی، پیشگیری، کیفرهای زیست‌محیطی، اسناد بین‌المللی.

۱. محصل دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه بین المللی اهلبیت–تهران – نویسنده مسؤل (kazemi.ibrahim@gmail.com)
۲. دانشیار و مدیر گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علامه طباطبای– تهران– استاد راهنما (razavi1351@yahoo.com)

۱. مقدمه

با توجه به اینکه امروزه، موضوع حفاظت از محیط زیست یکی از دغدغه‌های اساسی جامعه جهانی است، در قالب حق بر محیط زیست سالم در عرض ارزش‌های بنیادینی همچون حق حیات و حق بر سلامتی مورد توجه و پذیرش کشورهای مختلف قرار گرفته است؛ به‌نحوی‌که در قانون اساسی بالغ بر ۱۱۰ کشور، حق بر محیط زیست سالم و یا ضرورت حفاظت از محیط زیست مورد تأکید قرار گرفته است و انعکاس این مسئله در بالغ بر هزار سند مختلف بین‌المللی نیز گواه این مدعاست. اهمیت این مسئله به‌اندازه‌ای است که در تعریف مرکز توسعه سازمان ملل متحد از امنیت انسانی که معادل رهایی از ترس و رهایی از نیاز دانسته شده، هفت شاخص مورد بررسی قرار گرفته که یکی از این موارد امنیت زیست‌محیطی است.

وقتی می‌توان از نظام حقوقی همه‌جانبه محیط‌زیستی صحبت نمود که تمامی اصل‌ها و معیارهای تقنینی پیش‌بینی‌شده در حقوق بین‌المللی محیط زیست به وسیله قانون‌گذار ملی محیط‌زیستی رعایت و برنامه‌ریزی شود؛ به این معنی که شاخص‌ها و معیارهای موجود اعلامیه محیط‌زیستی در قانون ملی یک کشور تسجیل گردیده باشد؛ اما به‌خاطر باید داشت که موضع هر کشور برای تدوین قوانین محیط‌زیستی، به بیان دیگر، رعایت اسناد بین‌المللی محیط‌زیستی توسط کشورها متفاوت است. به این معنی، کشورها با در نظرداشت این که توسعه یافته‌اند، در حال توسعه قرار دارند و یا کمتر توسعه یافته‌اند، باید اقدامات شان را متناسب به وضعیت اقتصادی برای تصویب قوانین زیست‌محیطی روی دست گیرند؛ بنابراین اصل، از کشورهای توسعه‌یافته انتظار می‌رود که با درک روحیه بشردوستی زمینه کمک‌های بیشتر را در قسمت انتقال و فراهم‌آوری معلومات و تکنولوژی‌های معاصر زیست‌محیطی و با پرداخت هزینه‌های مبارزه با آلودگی‌های محیط زیست با کشورهای نیازمند فراموش ننموده و در این زمینه به تقنین قواعد و سهولت‌های زیست‌محیطی در جهت همکاری و کمک به سایر کشورها بپردازند. به همین‌گونه، کشورهای درحال‌توسعه باید در چگونگی مصرف گازهای مضر به محیط زیست اعمال و تعیین سیاست‌های کنترل جمعیت و استفاده دوام‌دار از منابع طبیعی از هر گونه تلاش دریغ نورزند و نیز کشورهای فقیر برای جلوگیری از تخریب بیشتر محیط زیست، حفاظت از جنگل‌ها، حفاظت از منابع طبیعی، گونه‌های جانوری و نباتی و غیره با تصویب قوانین لازم، مواظب محیط زیست خویش باشند. اما اینکه نظام تقنینی برای حفاظت از محیط زیست در افغانستان به چه ترتیب است، کشور افغانستان به چه تعداد از اعلامیه‌های زیست‌محیطی پیوسته است و یا التزام خود را برای رعایت آن اعلام نموده است، معیارها و شاخصه‌های تقنینی محیط‌زیستی موجود در اسناد بین‌المللی از آن جمله کنفرانس استکهلم و ریو در اسناد تقنینی محیط‌زیستی افغانستان مورد لحاظ قرار گرفته است و یا خیر، و بر فرض همسویی میزان مطابقت آن، تا چه حد می‌تواند باشد، اینها از جمله پرسش‌هایی اند که در این زمینه مطرح می‌شوند.

افغانستان در سال ۱۳۸۴ هجری شمسی قانونی را ذیل ۷۸ ماده و ۹ فصل از جانب مرجع قانون‌گذاری به تصویب رسانیده است که به تنظیم همه‌جانبه فعالیت‌های محیط‌زیستی، در مشارکت شهروندان تأمین محیط زیست سالم به‌عنوان یک حق، کنترل همه‌جانبه آلودگی‌ها، حفاظت و تنظیم منابع آبی، ترویج آگاهی‌های محیط زیستی، مجازات متخلفان محیط زیستی... و غیره مسائل پرداخته است. علاوه‌برآن، سه مقرره که عبارت از مقرره ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، مقرره کاهش و جلوگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی و مقرره جلوگیری از

تخریب لایه اوزون از جانب اداره ملی حفاظت از محیط‌زیست به تصویب رسیده است و افغانستان به کنوانسیون پروتوکول و اعلامیه‌های تغییر اقلیم، تنوع بیولوژیکی، مبارزه با صحرا گرایی، کنوانسیون‌های منع تجارت بین‌المللی انواع حیوانات و نباتات در معرض خطر تحفظ قشر ازن، پروتوکول منتریال[1]، کیوتو[2]، استکهلم[3]، روتردام[4]، کارتا جنا[5] و بسل[6] پیوسته است.

قابل‌ذکر است؛ علاوه‌برآن که موضوعات محیط زیست در قانون محیط زیست تسجیل گردیده است، در قانون معادن نیز به آن توجهی صورت‌گرفته است. با در نظرداشت موقف این کشورها در میان سایر ممالک از نظر عقب‌ماندگی، عدم توسعه‌یافتگی و اقتصاد ناپایدار به حد کافی معیارها و اصل‌های زیست‌محیطی برای حفاظت از محیط زیست به‌کاررفته است؛ اما مشکل اساسی زمانی بروز می‌کند که این اسناد به اجرا گذاشته نمی‌شود. همتی برای اجرای قوانین محیط‌زیستی دیده نمی‌شود، لذا باید برنامه‌های اجرایی برای به‌اجراگذاشتن اهداف و اصل‌های زیست‌محیطی روی دست گرفته شود (محمد صابر انسان‌دوست،۱۳۹۶، ص ۱۲۲).

ازآنجاکه موضوع سیاست جنایی، حمایت کیفری از محیط زیست و وضع مقررات در حوزه پیش‌گیری و جرم‌انگاری اقدامات آسیب‌زننده به محیط زیست است، امروزه هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح داخلی کشورها از مباحث نو و جدید محسوب می‌گردد که زمانی طولانی بر آن نمی‌گذرد و روند درحال‌رشد و توسعه است؛ چنانچه یکی از محققین در زمینه تصریح می‌دارد؛ «یکی از حوزه‌های جدید درگیری ارزشی و حمایت‌گرانه حقوق کیفری نوین را در نظام‌های حقوقی پیشرو نام ببریم، همان، قلمرو و حفاظت کیفری از محیط زیست و اقلیم است»(بهزاد رضوی فرد ۱۴۰۱ ص ۱۷)، لذا می‌طلبد در این خصوص به مطالعه و ارزیابی منابع و اسناد بین‌المللی، اعم از کنوانسیون‌ها، کنفرانس‌ها و معاهدات جهانی و منطقه‌ای و همچنان، قواعد داخلی حمایت از محیط زیست، در پرتو سیاست جنایی در مرحله کنشی یا پیش‌گیری و واکنشی همانا کیفرگذاری و جرم‌انگاری توجه بیشتری به خرج داد؛ لذا در این نوشتار سعی شده است به روش تحلیلی توصیفی در پرتو قوانین نافذ افغانستان، سیاست جنایی تقنینی این کشور در قبال محیط زیست با سیاست جنایی بین‌المللی مورد ارزیابی و مقایسه قرار گیرد.

۲. مفاهیم و مبانی مسئولیت داخلی و بین‌المللی زیست‌محیطی

۱.۲ تعریف مفاهیم

۱.۱.۲ جرم زیست‌محیطی

با در نظرداشت تعریف جرم که عبارتست از نقض قانون مملکتی در اثر عمل خارجی درصورتی‌که انجام وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد(ایرج گل‌دوزیان ۱۳۷۶، ص ۱۹۵)، جرم زیست‌محیطی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «جرم زیست‌محیطی یک فعل یا ترک فعل غیرقانونی در حوزه محیط

1. Moontreal Protocol
2 . Kyoto Protocol
3 . Stokohlm Protocol
4 . Rotterdam Protocol
5 . Cartagena Convention
6 . Basel Convention

زیست است که قانون را نقض می‌کند و لذا مشمول تعقیب و مجازات کیفری است»(وایت راب، ۱۳۹۴، ص ۲۷). در نگاه غایت‌مدارانه بر تعریف جرم زیست‌محیطی می‌توان گفت؛ جرم زیست‌محیطی عبارت از هرگونه رفتار موجب ضرر زیست‌محیطی در قالب فعل و ترک فعل که چه به‌صورت عمدی یا غیرعمدی یا هرگونه خلاف‌های ضد محیط‌زیستی است(رضوی فرد، ۱۴۰۱، ص ۲۲). به بیان دیگر، هرگونه فعل یا ترک فعلی که موجب ورود آسیب و صدمه به عناصر بی‌جان محیط زیست شود و بر اثر آن حیات موجودات زنده حیات به خطر افتد و قانون‌گذار، آن را جرم تلقی کرده باشد، مرتکبین این‌گونه جرایم با درنظرگرفتن اصل تناسب جرم و مجازات، مجازات خواهند شد(احمدعلی محسن‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۱۵). با در نظرداشت تعاریف ارائه‌شده، جرم زیست‌محیطی شامل تمامی اقداماتی می‌شود که نقض قانون در حوزه محیط زیست را سبب شود و عناصر جاندار و بی‌جان محیط زیست را دربرگیرد.

۲.۱.۲ سیاست جنایی زیست‌محیطی

سیاست جنایی دولت‌ها مجموعه روش‌هایی است که هیئت اجتماع با استفاده از آنها واکنش‌هایی علیه واقعیت‌های مجرمانه را سازمان می‌بخشد(لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۱۲). طبق این تعریف، سیاست جنایی به مفهوم عام، شامل تمامی اقداماتی می‌شود که نه تنها نظام و دولت بلکه همه افراد جامعه را در برمی‌گیرد. سیاست جنایی در نگاه دیگر، به سیاست تقنینی، قضایی و اجرایی تقسیم می‌شود و سیاست جنایی تقنینی به منزله نخستین لایه‌ی سیاست جنایی، عبارت است از تدبیر و چاره‌اندیشی قانون‌گذار در مورد جرم و پاسخ به آن که باتوجه به وابستگی سیاست جنایی و ایدئولوژیک هر کشور حالت‌های مختلف به خود می‌گیرد و می‌توان آن را سلیقه قانون‌گذار و انتخاب‌های وی در انواع جرائم و مجازات‌ها و به‌طورکلی، نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرائم دانست که تبلور آن در قوانین مختلف هر جامعه از جمله قوانین جزایی شکلی و ماهوی منعکس می‌شود(عظیم‌زاده ۱۳۸۴، ص ۲۰۵).

سیاست جنایی تقنینی در جرائم زیست‌محیطی بر به‌کارگیری تدابیر و شیوه‌های خاص پیش‌گیری و سرکوب‌گری در قبال این‌گونه جرائم تأکید دارد. در چارچوب یک سیاست جنایی تقنینی کارآمد است که پیش‌گیری از جرائم زیست‌محیطی و قربانی واقع‌شدن عناصر زیست‌محیطی مورد توجه ویژه قانون‌گذار قرار می‌گیرد و با مقرر کردن حمایت کیفری ویژه، سیاست پیش‌گیری از قربانی واقع‌شدن عناصر محیط زیست دنبال می‌شود. امروزه، حمایت کیفری در قالب جرم‌انگاری و درپوشش قانون شناخته می‌شود و ازاین‌جهت، باید در چارچوب سیاست جنایی تقنینی مورد توجه قرارگیرد(حمزه علی‌پور و ابوالقاسم کفشگر، ۱۳۹۷، ص۴).

نقطه قابل‌توجه جدا از تعریف و عناصر آن، کارایی و اثرگذاری سیاست جنایی است. «به‌عبارت‌دیگر، سیاست جنایی باید بتواند نرخ ارتکاب جرایم را کاهش‌دهد یا دست‌کم از افزایش نرخ بزه‌کاری جلوگیری کند و آن را در سطح قابل‌قبول حفظ کند. اگر تخریب و نابودی محیط زیست در ابعاد مختلف آن شامل آب و خاک و هوا و گونه‌های زیستی استمرار داشته و در سطحی قابل‌قبول نباشد؛ چنان‌که میزان نابودی و تخریب محیط زیست بر حفظ آن غلبه داشته باشد، آنگاه می‌توان از ناکارآمدی و بحران سیاست جنایی زیست‌محیطی سخن گفت. حال، نظام‌مندی و انسجام سیاست جنایی زیست‌محیطی بدین معناست که مجموعه تدابیر کنشی و واکنشی

تشکیل‌دهنده این سیاست جنایی به‌گونه‌ای سازمان یابند که به شکلی متوازن عمل نماید»(رضوی فرد، ۱۴۰۱، ص ۱۷۶).

۳.۱.۲ پیش‌گیری از جرایم زیست‌محیطی

پیشگیری از جرم یا جرم‌شناسی پیش‌گیرانه که در این زمان از سوی بیشتر سیاست‌گذاران جنایی برای مهار خلافکاری شناسایی می‌شود، شامل مجموعه‌ای از شیوه‌های رنج‌دهنده غیر قهرآمیز است که پیش از وقوع خلاف‌کاری و به‌منظور تأثیرگذاری بر عوامل جرم‌زا و ارتکاب نیافتن یکمین گونه خلاف‌کاری از سوی یک شهروند مورد استفاده قرار می‌گیرند(نیاز پور، ۱۴۰۲، ص ۱۵). به تعبیر دیگر، پیش‌گیری از جرم، دربردارنده هر طرحی برای کاهش سطح واقعی جرم است. در خصوص روی‌کردشناسی پیش‌گیری از جرم زیست‌محیطی، شامل فرایند چهارمرحله‌ای است و موارد شناسایی، تحلیل، پاسخ و ارزیابی را در برمی‌گیرد(رضوی فرد، ۱۴۰۱، ص ۱۸۹). همچنان، نباید از نظر دور داشت که در فرایند پیش‌گیری از جرایم زیست‌محیطی، دولت‌ها نقش نخستین را دارا است، زیرا با وضع قواعد و مقررات سیاست‌های کلان در این حوزه را تعیین می‌کند، در قدم دوم سایر نهادهای اجتماعی و جامعه مدنی نیز نقش مؤثر در فرایند پیش‌گیری دارا است.

۲.۲ مبنای مسئولیت داخلی و بین‌المللی جرم زیست‌محیطی

هدف از مبنای مسئولیت در عرصه داخلی و بین‌المللی پاسخ به چرایی مسئولیت ایجاد شده در قبال محیط زیست است. به تعبیر دیگر، ارزیابی و تحلیل علت توجه و پاسخ‌های جزایی و غیرجزایی مانند جبران خسارت است که ذیل کدام یک از نظریه‌ها دراین‌خصوص تبیین می‌گردد و آیا می‌توان تفاوت میان وضع این مسئولیت و در عرصه بین‌المللی و حقوق داخلی مشاهده کرد یا خیر که ذیلاً به‌صورت کوتاه به آن پرداخته خواهد شد.

۱.۲.۲مبنای مسئولیت بین‌المللی

تخریب محیط زیست به دست انسان قدمتی به‌اندازه عمر انسان دارد. پیشرفت تکنولوژی و افزایش نیازهای انسانی موجب شده است تا تخریب اکوسیستم موجود تسریع شود، فعالیت‌های اقتصادی ضروری و بهره‌برداری از محیط زیست باعث شد تا دو مقوله، حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌المللی محیط زیست به یکدیگر پیوند بخورند. فعالیت شرکت‌های بزرگ برای استخراج منابع زیرزمینی با فراهم‌آوری محصولات کیمیاوی، خطر آلودگی محیط زیست را افزایش داده‌اند؛ درحالی‌که مسئولیت بین‌المللی در تمام شاخه‌های حقوق بین‌الملل از یک سو، پیوند ناگسستنی با عنصر نقض تعهد دارد و از سوی دیگر، التزام به عنصر خسارت ندارد. مسئولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل محیط زیست، از یک سو با عنصر نقض تعهد سر و کاری ندارد و از سوی دیگر، قربانی خسارات زیادی است و دلیل این امر آنست که در حقوق بین‌الملل محیط زیست شاهد تعهدات سخت و لازم‌الاجرا نبوده‌ایم، لذا از یک سو، تعهدات تحمیل‌شده به دولت‌های عضو کنوانسیون‌های مربوط مبهم‌اند و از دیگر سو، هنوز قواعد لازم و کافی برای هماهنگی و همکاری جزایی دولت‌ها در زمینه خلاف‌کاری‌های زیست‌محیطی تقریباً شکل نگرفته‌اند(رضوی فرد ۱۴۰۱، ص ۶۳).

حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را می‌توان از سه منظر مسئول قلمداد نمود: یکی، در صورت نقض یک تعهد بین‌المللی قابل‌انتساب به یک دولت متخلف که همراه با تقصیر عمدی یا سوءنیت همراه باشد، می‌تواند موجب طرح مسئولیت بین‌المللی آن دولت شود؛ به‌ویژه در مواردی که فعالیت یک کشور موجب آلودگی فرامرزی

شود. دوم، نقض یک تعهد بین‌المللی قابل‌انتساب به یک دولت متخلف که با قصور آن دولت رخداده است و در نتیجه فقدان عنصر معنوی یا سوءنیت می‌تواند موجب طرح مسئولیت بین‌المللی آن دولت شود. مورد سوم، زمانی مطرح است که عنصر نقض، موضوعیت ندارد و آنچه موجب طرح مسئولیت دولت می‌شود دولت باید آن را بپردازد، ایراد خسارتی است که در نتیجه غفلت آن دولت برای شخص سوم و یا غیر از آن، به وجود آمده است. از این رویکرد، به حقوق مسئولیت بین‌المللی به ترتیب تحت عنوان نظریه خطا خطر و مسئولیت ناشی از اعمال منع نشده یاد می‌شود. نتیجه اتخاذ هر یک از این سه رویکرد نیز متفاوت خواهد بود درحالی‌که دولت مسئول در رویکرد اول و دوم مؤظف به جبران خسارت اعم از اعاده وضع به حال سابق توقف عمل متخلفانه، تضمین به عدم تکرار عمل متخلفانه و پرداخت غرامت می‌باشد. دولت مسئول در رویکرد سوم تنها به پرداخت غرامت مؤظف خواهد بود(معصومه وزیری هامانه (یگانه) ۱۳۹۷).

محیط زیست بیشترین این خسارات را از فعالیت‌های اقتصادی اما ارزشمند بشر می‌بیند؛ این فعالیت‌های اقتصادی از یک سو برای حیات بشر لازم و سودمند هستند از سوی دیگر، ایجادکننده آسیب‌های جدی به محیط زیست هستند. فلسفه ایجاد مسئولیت ناشی از اعمال منع‌نشده در حقوق بین‌الملل نیز فراهم‌آوردن مبنایی برای جبران جهت فعالیت‌هایی است که در عین داشتن عوارض زیان‌بار، از نظر اجتماعی کاملاً سودمند و ضروری هستند. در خصوص مسئولیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل محیط زیست باید قائل به تفکیک شویم. زمانی که یک دولت یکی از تعهدات خود ناشی از تعهدات زیست‌محیطی را نقض می‌کند یا عمداً موجب خسارت به محیط زیست فرامرزی می‌شوند، آن دولت مسئولیت ناشی از تقصیر یا قصور خواهد داشت؛ اما زمانی که یک دولت در جریان یک عمل مجاز موجب خسارت ناخواسته به دولت دیگر می‌شود، مسئولیت ناشی از اعمال منع‌نشده خواهد داشت که نتایج متفاوتی به دنبال دارد؛ مثلاً وقتی‌که کشتی نفتی در حین عبور در دریای آزاد غرق می‌شود؛ اما آیا تنها دولت‌ها هستند که در این مسئولیت شریک‌اند و یا خیر؟ که در این جا نقش سایر بازیگران در حوزه محیط زیست هم در اجرا و هم در موارد کسب مسئولیت سهیم‌اند، مطرح می‌گردد. (علیرضا آرش پور ۱۳۹۲)

۲.۲.۲ مبنای مسئولیت داخلی

دولت‌ها به‌عنوان تابعان اصلی حقوق بین‌المللی و اجراکنندگان اهداف بین‌المللی از جمله حقوق محیط زیست، دارای صلاحیت انحصاری در قلمرو خود بوده و با قدرت بیشتر اجرایی می‌تواند قواعد حقوقی الزام‌آوری را در حوزه محیط زیست به تصویب رسانیده و آن را برای به‌دست‌آوردن اهداف زیست‌محیطی به اجرا درآورند. از طرف دیگر، در کلیه اسناد بین‌المللی به کرات از موقف و نقش دولت‌ها در اجرای قواعد و تعهدات بین‌المللی سخن به میان آمده است و نیز حاکمیت دولت‌ها را شناسائی نموده‌اند؛ چنانچه بند ۷ ماده ۲ کنوانسیون سازمان ملل متحد در زمینه اعلام می‌دارد که هیچ یکی از مقررات مندرج در این منشور ملل متحد را مجاز نمی‌دارد که در اموری که ذاتاً جزء صلاحیت داخلی کشورها است دخالت کنند و اعضا را نیز ملزم نمی‌کنند که چنین موضوعاتی را برای حل‌وفصل تابع مقررات این منشور قراردهند.

با تأکید به مقررات ذکرشده، اصل قابل اجرای دیگری در موضوعات محیط زیست وجود دارد که به حاکمیت دولت‌ها اشاره دارد. در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم چنین ابراز نظر شده است: دولت‌ها طی منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌المللی دارای حق حاکمیت به بهره‌برداری منابع طبیعی خویش مطابق سیاست‌های

زیست‌محیطی‌اند. از این دیدگاه نقش حقوق بین‌المللی جزء تبیین ارزش‌ها و قواعد عام شمول چیزی دیگری نمی‌تواند باشد. مهم‌ترین دلیل این امر آن است که جامعه بین‌المللی فاقد هرگونه قوت‌های قهری برای به کرسی‌نشاندن تصمیمات خود است؛ البته این به معنای نادیده‌گرفتن ضمانت اجرای قواعد بین‌الملل که حاکم به حقوق بین‌الملل و روابط بین‌المللی است نبوده؛ زیرا در اکثر موارد این حقوق به‌ویژه اجرای اغلب تعهدات در خصوص محیط زیست به مسئولیت دولت‌ها گذاشته شده است.

با مشاهده سایر اسناد بین‌المللی زیست‌محیطی اعم از الزام‌آور و غیرالزام‌آور، دیده می‌شود که به اصل فوق تأکید شده است. ماده ۲ اعلامیه ریو چنین است: برابر منشور سازمان ملل متحد و مقررات قوانین بین‌المللی کشورها از حق حاکمیت برای بهره‌برداری از منابع خود در راستای سیاست‌های توسعه‌ای و محیط زیستی خود برخوردارند.

همانند سایر نظام حقوقی در قانون اساسی افغانستان (مصوب ۱۳۸۲) نیز به حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی پرداخته شده است. از این که افغانستان یک کشور وابسته به جامعه بین‌الملل و متعهد به اجرای الزام بین‌المللی و در کل اسناد بین‌المللی است، در مواد ۷ قانون اساسی افغانستان چنین تذکر گردیده است: دولت مکلف به رعایت منشور ملل متحد معاهدات بین‌الدول میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان به آن ملحق شده و رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر است. به همین منظور، در حال حاضر ساختاری به نام اداره ملی حفاظت از محیط زیست به حیث اداره مستقل در این کشور تشکیل گردیده است. همچنان، قانونی تحت عنوان قانون محیط زیست در این زمینه از جانب دولت به تصویب رسیده است.

نباید از نظر دورداشت که برخی مسائل مهم و جدی وجود دارد به‌ویژه در حوزه محیط زیست وقتی که دانش بشری بی‌مرزبودن محیط زیست را گواهی نموده‌است، مسائلی چون آلودگی دریایی، آلودگی هوا، مهاجرت، انواع گونه‌های حیات‌وحش، ذخایر مشترک ماهیان در مناطق مرزی با مناطق انحصاری اقتصادی و غیره، محدود به صلاحیت سرزمینی نمی‌شود. با وجود تضاد به اصل حاکمیت در حقوق بین‌الملل، می‌تواند به‌عنوان تنها راه‌حل و گره‌گشای باشد. این بخش مهمی از حقوق بین‌الملل محیط زیست را تشکیل می‌دهد. بنابراین، در اصل صلاحیت انحصاری دولت‌ها بر قلمرواش چنین حقی بر میاید که محیط زیست آن کشور نباید از زیان‌های حاصل از فعالیت‌های بیرون آن حوزه یعنی در قلمرو و مکان دیگری که در صلاحیت دولت دیگری است، صدمه ببیند.

باید خاطرنشان کرد که جایگاه محیط زیست در کشورها با در نظرداشت اینکه این کشورها گرچه دارای وضعیت اقتصادی و صنعتی متفاوت خواهد بود که در این راستا کشورها به؛ کشورهای توسعه‌یافته، درحال‌توسعه و کشورهای کمتر توسعه‌یافته (فقیر) قابل‌دسته‌بندی است که جایگاه افغانستان به دسته سوم تعلق می‌گیرد(محمد صابر انسان‌دوست ۱۳۹۶، ص ۶۵).

۳. سیاست جنایی کنشی یا پیش‌گیرانه از وقوع جرایم زیست‌محیطی

با توجه به این‌که در قوانین اغلب کشورها، انهدام و آلوده‌کردن محیط زیست جرم محسوب می‌گردد؛ سیاست فوق بیش‌ازپیش مورد تأیید و تأکید قرار می‌گیرد. به‌جای این که ما بگذاریم افراد با انهدام یا آلوده‌ساختن محیط زیست مرتکب جرم شده و آنها را مجازات کنیم، بهتر است توجه اصلی خویش را مصروف پیش‌گیری از جرایم

علیه محیط زیست نموده و ضمن این‌که افراد جامعه را از مجازات‌های مقرر مصون می‌داریم، از همان ابتدا محیط زیست را سالم نگه داشته و از تخریب و آلوده‌کردن آن جلوگیری کنیم. سزار بکاریا، حقوق‌دان معروف ایتالیایی نیز معتقد است پیش‌گیری از وقوع جرایم بهتر از کیفردادن است و برای پیش‌گیری، نخست قوانین باید روشن و ساده باشد و تمام قدرت ملت برای دفاع از آن بسیج شود.

اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه به‌منظور حفاظت از محیط زیست در عرصه محیط زیست آنچه بیشتر می‌تواند ثمربخش واقع شود و جلو واقعیات آلودگی را بگیرد، پیش‌بینی‌های زیست‌محیطی است. به بیان دیگر، جلوگیری از حادثات جبران‌ناپذیر زیست‌محیطی به‌ویژه در موقع انتشار آلودگی‌ها، آلودگی دریایی، هوایی و حفاظت از منابع طبیعی جهت استفاده دوام‌دار با توجه به منافع نسل‌های آینده و غیره نیازمند اتخاذ تدابیر پیشگیرانه است.

قانون‌گذار محیط زیست افغانستان به منظور حفاظت از محیط زیست، به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه، کنترل همه‌جانبه آلودگی‌ها، ترتیب پلان جامع کاهش اثرات زیست‌محیطی، ترتیب پلان ازبین‌بردن انواع مضر و غیره طور ذیل اشاره نموده است.

۱.۳ کنترل همه‌جانبه آلودگی‌ها

در ماده ۲۹ قانون محیط زیست افغانستان تصریح شده است: تخلیه هر نوع زباله و یا رهانمودن آلوده‌کننده به‌وسیله شهروندان که سبب تخریب محیط زیست و یا آلوده‌ساختن محیط زیست می‌گردد، به اساس قانون محیط زیست منع گردیده است.

بر اساس اصل فوق‌الذکر، شهروندان این امر را نه‌تنها در قسمت خود رعایت نمایند، بلکه ایشان مسئولیت دارند تا از عملکرد سایر اشخاصی که فعالیت ایشان موجب آلوده‌شدن آب هوا و زمین می‌گردد جلوگیری نمایند. همچنین، صدور جوازنامه کنترل زباله‌ها از جانب اداره ملی حفاظت از محیط زیست، اتخاذ تدابیر لازم به‌خاطر جلوگیری از انتشار مواد آلوده‌کننده توسط اشخاصی که مواد آلوده و اشیای آلوده‌کننده را به محیط زیست انتشار می‌دهند، فسخ و تعدیل جوازنامه کنترل آلودگی در صورت موجودیت دلایل کافی مبنی بر آلوده‌ساختن محیط زیست از جانب دارنده این جوازنامه و یا مقرر شرایط اضافی بالای درخواست‌دهنده و یا دارنده جوازنامه ذکر شده به‌منظور جلوگیری از آلودگی تدبیر قانونی دیگری است که از مسئولیت شهروندان و تنظیم‌کنندگان فعالیت عرصه‌های زیست‌محیطی سخن به میان آمده است(مواد ۳۰ و ۳۴ قانون محیط‌زیست افغانستان).

۲.۳ ممانعت عمومی و تکلیف نگهداری محیط زیست

جمع‌آوری، انتقال، دسته‌بندی، برطرف‌کردن و یا هر فعالیت دیگری در رابطه به زباله که تأثیر سوء بالای محیط زیست وارد نماید ممنوع بوده و فعالیت‌کنندگان این عرصه مکلف‌اند تا تدابیر لازم را برای جلوگیری از واردشدن صدمه به محیط زیست از قبل اتخاذ نمایند. همچنان، مالک و یا ساکن محلی که در آن جا زباله‌ها به میان می‌آید، مکلف‌اند زباله‌های به‌میان‌آمده را از هم تفکیک نموده و طبق قواعد و مقررات محیط زیست، آن را در ظرف یا محل جداگانه جابه‌جا نمایند(ماده ۳۲ قانون محیط زیست افغانستان).

۳.۳ جوازنامه تنظیم زباله‌ها

در تقسیم‌بندی ارائه‌شده از انواع زباله‌ها، به زباله‌های انسانی، زباله‌های حیوانی، زباله‌های اتمی زباله‌های کلینیکی و غیره که انواع گوناگون دارد تقسیم نمود. در قانون محیط زیست افغانستان، زباله‌ها را به زباله‌ها و

زباله‌های زیان‌بار تقسیم نموده است. صدور جوازنامه تنظیم زباله‌ها که در قانون محیط زیست از آن ذکر به میان آمده است، به‌عنوان تدابیر پیش‌گیرانه به غرض جلوگیری از تأثیر سوء زباله‌ها به محیط زیست مطرح است؛ زیرا قانون‌گذار به هدف اینکه زباله‌ها به طور پراکنده در محیط زیست رها نگردد و نیز این که در امر جمع‌آوری، ذخیره، استفاده و سوزاندن زباله‌ها اصول فنی و مهارت کافی از طرف مجریان آن به کار گرفته شود تا زیانی به محیط‌زیست وارد نگردد، این امر را در قیمومیت و تحت سیطره اداره ملی حفاظت از محیط زیست قرارداده است(ماده ۳۱ قانون محیط زیست افغانستان).

۴.۳ جواز نامه تنظیم زباله‌های زیان‌بار

صدور، تعدیل، تعلیق و یا لغو جوازنامه تنظیم زباله‌های زیان‌بار از جانب اداره ملی حفاظت از محیط زیست برای مالک زمین و یا ساکن محلی که این زباله‌ها در آن تولید می‌شود، به حیث تدابیر پیش‌گیرانه به غرض جلوگیری از تأثیر سوء آن بالای محیط زیست بوده و بیانگر مکلفیت اخذ این جوازنامه از جانب مالک و یا متصرف محل، اتخاذ تدابیر احتیاطی غرض جلوگیری از تأثیرات سوء زباله‌های زیان‌بار بالای محیط زیست، ترکیب کیمیاوی، خاصیت و حجم زباله‌هایی که تولید می‌گردد، به منظور نگهداری، تخلیه، تنظیم و تهیه به روشی که درخواست‌دهنده به طرز از عمل‌های زباله‌ها زیان‌بار پیشنهاد می‌کند به روند صنعتی تجارتی یا فعالیتی که باعث ایجاد زباله‌ها می‌شود(ماده ۳۵ قانون محیط‌زیست افغانستان).

۵.۳ پلان جامع کاهش اثرات زیست‌محیطی

در پهلوی سایر تدابیر حفاظتی و کنترلی به حیث اقدامات پیش‌گیرانه و جلوگیری‌کننده ورود آثار زیان‌بار به محیط زیست که به آن پرداختیم، یک اقدام دیگر تدابیری برای حفاظت از محیط زیست و مبارزه با انواع آلودگی‌ها، ترتیب پلان جامع کاهش اثرات زیست‌محیطی است که قانون‌گذار محیط زیستی افغانستان ترتیب و اجرای آن را از جانب درخواست‌دهندگان و تطبیق‌کنندگان پروژه‌ها با پلان‌های زیست‌محیطی تجویز فرموده است. به این معنی که هرگاه اشخاص و یا شرکت‌های مختلف پروژه‌ها و هر پلان دیگری را که به نحوی، آثار زیان‌باربودن آن به محیط زیست متصور است، به راه می‌اندازند. در ابتدا معلومات دقیق قبلی را غرض کسب اجازه‌نامه در مورد هر نوع تأثیرات سوء آن که در محیط زیست متصور است باید به اداره ملی حفاظت از محیط زیست ارائه نمایند تا اداره ملی حفاظت از محیط زیست نسبت به هر فعالیت آلوده‌کننده محیط زیست پیش‌بینی داشته باشد(ماده ۱۷ قانون محیط‌زیست افغانستان).

صدور جوازنامه برای درخواست‌دهندگان مطابق فقره دوم ماده ۱۴ قانون محیط زیست، از وظیفه اداره ملی حفاظت از محیط زیست عنوان شده است که اداره ملی حفاظت از محیط زیست طی این فرایند، بعد از مطالعه معلومات مورد نظر و با درنظرداشت مشورت با کمیته اختصاصی ارزیابی اثرات محیط زیستی می‌تواند اجازه‌نامه انجام فعالیت‌ها و تطبیق پروژه و پلان را طور مشروط یا غیرمشروط صادر نماید، به‌شرط آنکه تأثیرات سوء آن بالای محیط زیست جزئی باشد. هر گاه اداره ملی حفاظت از محیط زیست تأثیرات سوء آن را بالای محیط زیست عمده تلقی نماید، در این‌صورت، درخواست‌دهنده مکلف است گزارش اثرات محیط زیستی و پلان جامع کاهش اثرات آن را ارائه نماید.

۶.۳ تصویب پلان کاهش اثرات زیست‌محیطی

هر پلان ارائ‌شده از جانب اجراکنندگان پلان‌ها و پروژه‌های زیست‌محیطی، به‌منظور مشروعیت یافتن خود نیازمند تصویب آن از جانب اداره ملی حفاظت از محیط زیست است. به این منظور، هر گاه اداره ملی حفاظت از محیط زیست پس از مشورت هیئت تخصصی ارزیابی اثرات محیط زیستی مطمئن گردد که معلومات ارائه شده صحیح است، می‌تواند با رعایت سایر مندرجات قانونی، اجازه‌نامه تطبیق پروژه و پلان را صادرنماید.

هر گاه اداره ملی حفاظت از محیط زیست، پس از مشورت هیئت تخصصی به نتیجه برسد که تطبیق پلان با پروژه باعث تأثیرات سوء غیرقابل‌قبول گردیده یا تدبیر کاهش تأثیرات سوء آن ناکافی بوده، اداره ملی حفاظت از محیط زیست از صدور اجازه‌نامه خودداری می‌نماید؛ مشروط بر اینکه دلایل عدم صدور آن را کتباً ارائه نماید. هر گاه درخواست‌دهنده بر خلاف اجازه‌نامه عمل نماید اداره محیط زیستی می‌تواند جواز متذکره را لغو نماید. همچنان، هرگاه در خلال مدت سه ماه اجازه‌نامه را تطبیق ننماید، خودبه‌خود، اجازه‌نامه ملغی پنداشته می‌شود.

۷.۳ کمیته اختصاصی ارزیابی

بر طبق صراحت ماده ۲۰ قانون حفاظت از محیط زیست افغانستان، اداره ملی حفاظت از محیط زیست می‌تواند به‌منظور بازبینی، ارزیابی و غور درخواست‌های ارائه شده از طرف متقاضیان و اجراکنندگان پلان‌های زیست‌محیطی، ابراز نظر درباره آنها، صدور جوازنامه، وضع شرایط بر اجازه‌نامه، کمیته اختصاصی را به این منظور ایجاد نماید. این کمیته متشکل از متخصصین ورزیده و فنی در علوم محیط‌زیستی است و تعدادشان از هشت نفر بیشتر بوده نمی‌تواند. این اعضا از طرف رئیس عمومی اداره ملی حفاظت از محیط زیست انتصاب و تعیین می‌گردند. رئیس عمومی اداره ملی حفاظت از محیط زیست نیز می‌تواند چهار نفر دیگر را موقتاً به حیث اعضای فنی کمیته اختصاصی توظیف نماید.

۸.۳ پرداخت مصارف پلان کاهش اثرات

مواد ۲۰ و ۲۱ قانون محیط زیست افغانستان به این نکته توجه نموده است که پرداخت مصارف پلان کاهش اثرات باید در نظرگرفته شود. واضح است که به‌راه‌انداختن هر پروژه از جانب اشخاص، بنابر یک منفعتی سازماندهی و اجرا می‌گردد که مالک آن پلان می‌تواند از آن مستفید شود. مالک پروژه یا فعالیت‌کننده آن مکلف است که مصارف تهیه، بررسی مقدماتی، شرح اثرات محیط‌زیستی، سوابق نهائی نظریات و پلان جامع کاهش اثرات را بپردازد که پرداخت مصارف با درنظرداشت ماهیت و حدود کار در مقرره جداگانه تنظیم می‌گردد؛ اما اتخاذ تدابیر پیشگیرانه در عمل به چه ترتیب است؟ کنترل آلودگی‌ها در چه حدی وجود دارد؟ جمع‌آوری زباله‌ها و تنظیم آن به چه صورت است؟ پلان کاهش اثرات زیست‌محیطی به‌وسیله مجریان پروژه‌های زیست‌محیطی ترتیب و اجرا می‌گردد و یا خیر؟

در جواب سوالات مطرح‌شده باید خاطرنشان کرد که برنامه عملی در این زمینه که نتیجه ملموسی را به همراه داشته باشد وجود ندارد، زیرا آمار دقیقی از میزان انواع آلودگی‌ها در این کشور ارائه نگردیده است تا به رویت آن، پیش‌بینی‌های زیست‌محیطی صورت گیرد. برای انداختن زباله‌ها در اکثر موارد، محل خاصی زباله‌دانی به این منظور پیش‌بینی و تعیین نگردیده است. هرگاه اگر وجود دارد کافی نیست. یعنی ظرفیت زباله‌های تولیدشده را ندارد. در پهلوی آن، اکثر شهروندان زباله را در محل مخصوص و یا زباله‌دانی تخلیه نمی‌کنند.

دردآورتر از همه که زباله‌ها را در دریا و یا آبروها تخلیه می‌نمایند. پروسس و تنظیم زباله‌ها به‌صورت فنی صورت نمی‌گیرد و به طور پراکنده در محلات رهایشی رها می‌گردد.

۹.۳ در اسناد بین‌المللی

موضوع پیش‌گیری‌های زیست‌محیطی از اصولی است که امروزه از دریچه حقوق بین‌الملل اهمیت و ارزش جهانی پیدا نموده است؛ که هم در بستر حقوق بین‌الملل و هم در حوزه حقوق منطقه‌ای اروپایی مورد توجه قرارگرفته است(رضوی فرد،۱۴۰۱، ص ۳۱). اینک به چند نمونه از اسناد بین‌المللی در خصوص پیش‌گیری جرایم زیست‌محیطی اشاره می‌گردد: اعلامیه محیط‌زیستی استکهلم از مسئولیت کشورها برای جلوگیری از آلودگی دریاها و سایر مواردی که عامل به مخاطره‌انداختن سلامت انسان و زندگی جانوران و موجبات آسیب‌رساندن به منابع حیاتی را فراهم می‌کند و در مجموع از کنترل، پیش‌گیری و محدودساختن هر نوع فعالیت زیان‌آور و مضر به محیط زیست توسط کشورها سخن به میان آمده است.

۱.۹.۳ اعلامیه استکهلم

در ماده ۷ اعلامیه استکهلم چنین تذکر رفته است: کشورها باید برای پیش‌گیری از آلودگی دریاها با موادی که عامل به مخاطره‌انداختن سلامت انسان آسیب‌رساندن به منابع حیاتی و زندگی جانوران دریایی و نابودی مواهب طبیعی هستند تمامی گام‌های ممکن را بردارند و همین‌طور، باید با هرگونه سوء استفاده دیگر از دریاها برخورد شدید نمایند.

به همین‌گونه، در بخش دوم ماده ۲۴ اعلامیه برای پیش‌گیری از فعالیت‌های زیان‌آور به محیط زیست چنین پیش‌بینی صورت‌گرفته است: برای کنترل مؤثر پیش‌گیری، کاهش و محدودساختن اثرات زیان‌آور زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌هایی که در تمامی جهان مشترک واجب و ضروری است، همکاری وقایوی باید به طریقی صورت گیرد که قدرت و منافع متناوبی از تمامی کشورها را در بر گیرد.

همچنان، تأکید به محدودیت استفاده از منابع طبیعی با درک خطر ختم‌شدن این منابع در یک تعداد از کشورها و ذخیره آن به نسل بعدی و یا تأکید به حفاظت از میراث فرهنگی بشر همه از مصادیق یک نوع پیش‌گیری در ساحه محیط زیست است.

قابل‌ذکر است که در پیش‌گیری از حادثات زیست‌محیطی در اکثر سندهای مرتبط به محیط زیست، به این اصل‌ها استناد شده است.

۲.۹.۳ منشور جهانی طبیعت

منشور جهانی طبیعت مصوب ۱۹۸۲ مجمع‌عمومی سازمان ملل، در صدر ماده ۱۱ آن، اشاره دارد: «فعالیت‌هایی که می‌تواند بر روی طبیعت تأثیر داشته باشد کنترل خواهد شد...» این اشارات و تأکیدات بیانگر نگاهی پیش‌گیرانه به موضوع جلوگیری از جرایم زیست‌محیطی است.

۳.۹.۳ اعلامیه ریو

از دیگر اسناد بین‌المللی زیست‌محیطی، اعلامیه ریو ۱۹۹۲ است. این اعلامیه نیز اشارات مختلف در زمینه پیش‌گیری از جرایم زیست‌محیطی دارد. به‌عنوان نمونه، بند ۸ دیباچه این اعلامیه در خصوص تنوع زیست به موضوع پیش‌گیری تأکید می‌کند. همچنان، مواد ۱۵ و ۱۷ این اعلامیه نیز موضوعیت خصوص پیشگیری دارد.

۴.۹.۳ سایر اسناد بین‌المللی

همچنان، برخی از متون و اسناد بین‌المللی به‌صورت گذرا به تعهدات مربوط به اصل پیش‌گیری پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به کنوانسیون تنوع زیست بند ۸ و کنوانسیون باماکو ۱۹۹۱ بند پ ماده ۳ نیز با بیان جزئیات به برخی رفتارهای ضد محیط زیست اشاره دارد؛ چنانچه از جمله پیرامون مسئله پسماندها در آفریقا تأکید دارد. در نهایت، دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در تصمیم ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷ در خصوص قضیه مربوطه به پروژه «گابسیکوو – ناگماروش» در مخالفت با مجارستان و چکسلواکی به‌صورت روشن به دلیل اهمیت آن، به موضوع پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی پرداخته است. البته نباید از نظر دورداشت که اصل پیش‌گیری صراحتاً به مسئله توسعه پایدار مرتبط است(رضوی فرد، ۱۴۰۱، ص ۴۴).

قابل‌ذکر است که تعداد زیادی از اسناد منطقه‌ای زیست‌محیطی در منطقه اروپا تصویب شده است که بر پیش‌گیری جرایم زیست‌محیطی و پیش‌گیری از آسیب به محیط زیست تأکید دارد. به جهت اختصار، در این‌مقاله به آنها پرداخته‌نشده است.

۴. سیاست جنایی واکنشی در برابر جرایم زیست‌محیطی

بدون تردید، جامعه بین‌المللی، در خصوص جلوگیری از تخریب محیط زیست، فاقد قوه مجریه، پلیس، ارتش وغیره است در کنفرانس‌های بین‌المللی از جمله کنفرانس محیط زیستی استکهلم بیشتر به تعهدات و مسئولیت دولت‌ها در امر حفاظت از محیط زیست و یا عملی ساختن اسناد مرتبط به محیط زیست تأکید صورت‌گرفته است؛ تا جائیکه اعلامیه به کار برده شده، فاقد الزام لازمی در خصوص محیط زیست است. اما این امر در کشور افغانستان چه سر نوشتی پیدا کرده است آیا سیاست جنایی مرتبط به واکنش در برابر جرایم زیست‌محیطی مناسب و لازم برای حفاظت از محیط‌زیست، نظارت از مسائل مختلف محیط‌زیست پیش‌بینی موارد نقض حقوق محیط‌زیست توقف آلوده‌ساز و مجازات متخلفین زیست‌محیطی روی دست گرفته شده است یا خیر؟ برای وضاحت موضوع سیاست جنایی تقنینی افغانستان در بعد واکنشی به‌ویژه جزایی، در قانون محیط زیست و کد جزای افغانستان مواردی به‌صورت مشخص به‌عنوان ضمانت‌های جزایی و سیاست جنایی از نوع واکنشی قابل‌ارزیابی است که در ذیل، به اشکال مختلف آن اشاره می‌گردد.

۱.۴ اقدامات ابتدائی بررسی آلودگی محیط زیست و توقف آلوده‌ساز

حوزه حقوق محیط زیست به‌ویژه سیاست جنایی در حوزه محیط زیست را در نظام حاکمیتی کشورها باید در سه ضلع یک مثلث ترسیم نمود. قوه مقننه در حوزه تصویب، قوه مجریه در اجرای درست قوانین و قوه قضایی برای نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات مؤظف می‌باشند که البته جهت عملکرد مناسب اضلاع این مثلث ارتقای ظرفیت‌های ضروری نیز مهم است.

تأثیرات سوء آلودگی محیط زیست در کشور افغانستان منحیث یک کشور جهان سوم و عقب‌مانده، چندبرابر است؛ چنانچه به گونه نمونه، آلودگی هوا در شهر کابل سالانه جان صدها نفر را می‌گیرد. مقامات وزارت صحت عامه می‌گویند که در نتیجه بیماری‌های ناشی از آلودگی محیط زیست، تنها در شهر کابل، پایتخت این کشور، در هر شبانه‌روز هشت نفر به کام مرگ می‌رود که این رقم، حدود سه هزار و در سال شش هزار نفر می‌رسد؛ به‌ویژه در حصه مرگ‌ومیر اطفال ناشی از تأثیرات سوء محیط زیست که میزان در حد بالای قرار دارد.

قانون‌گذار محیط زیست افغانستان برای عملی ساختن قواعد و مقررات حاکم زیست‌محیطی و مجازات متخلفین محیط زیست، سه مرحله را در نظر گرفته است:

۲.۴ اقدامات اجرایی (امر به منع و حکم مبنی بر رعایت)

اقدامات اجرایی از طرف اداره ملی حفاظت از محیط زیست در مقابل متخلفین محیط زیست اجرایی‌تر است. امر به منع فعالیت‌هایی که داشته باشد و نیز حکم مبنی بر رعایت احکام قانون در موارد تخلف از حدود تعیین‌شده و یا نقض شرایط اجازه‌نامه‌ای است که به شخص صادر گردیده است. مطابق حکم ماده ۶۸ قانون محیط زیست، اداره ملی حفاظت از محیط زیست می‌تواند و صلاحیت دارد تا امر به منع فعالیت مغایر احکام این قانون را که تأثیر عمده سوء به محیط زیست داشته باشد به شخص عامل یا اجازه‌دهنده آن صادر نماید. امر به منع عمدتاً حاوی مطالبی چون دلایل معقول و نحوه اجراآت موردنظر و تعیین تاریخ توقف فعالیت است. در صوت امکان اقدام لازم عاجل جهت احیای محیط زیست صورت پذیرد.

مطابق حکم ماده ۶۹ قانون محیط زیست، اداره حفاظت از محیط زیست می‌تواند در مقابل آلوده‌ساز به دو اجراآت ذیل متوسل شود: یک، اینکه اداره ملی حفاظت از محیط زیست درصورتی‌که تشخیص نماید که شرایط جوازنامه، اجازه‌نامه یا اجازه صادر شده از طرف دارندگان آن نقض گردیده است، می‌تواند حکم مبنی بر رعایت احکام این قانون را با در نظرداشت شرایط آتی چون؛ مکلف ساختن متخلف به‌تلافی تخلفات در مدت معینه، تعلیق فوری جوازنامه اجازه‌نامه با اجازه صادره شده متخلف صادر نماید.

دو، هرگاه تدابیر مندرج فوق مؤثر واقع نگردد، اداره ملی حفاظت از محیط زیست می‌تواند تصامیم ذیل مانند؛ تدابیر لازم به‌منظور رعایت شرایط مندرج جواز نامه، اجازه‌نامه یا اجازه صادر شده و جبران معادل خسارت وارده از دارنده آن تعدیل شرایط مندرج جواز نامه، اجازه‌نامه یا اجازه صادر شده، لغو جوازنامه، اجازه‌نامه یا اجازه صادر شده و در نهایت احاله قضیه غرض تعقیب عدلی به مراجع عدلی را اتخاذ نماید. حالا، حسن کار اینست که اداره حفاظت از محیط‌زیست به این رسالت خود در مقابل آلوده‌کنندگان و یا تخریب‌کنندگان محیط‌زیست گام عملی بر دارد.

۳.۴ مجازات متخلفین زیست‌محیطی ناقضین حقوق محیط زیست

در نظام حقوقی افغانستان برای اشخاصی که عمداً ارزش‌های محیط‌زیستی را زیر پا می‌نمایند از شرایط مقرر جواز خویش تجاوزنموده و ضرری به محیط زیست وارد نمایند و یا اینکه امر منع و یا اینکه حکم مبنی بر رعایت اداره محیط زیست را رعایت ننمایند، قابل‌مجازات دانسته می‌شود. اندازه جزا متخلفین فوق‌الذکر در ماده ۷۰ قانون محیط زیست چنین پیش‌بینی‌شده است:

الف: هرگاه دارنده جوازنامه، اجازه‌نامه یا اجازه صادرشده مرتکب یکی از اعمال ذیل گردد متخلف پنداشته شده، مطابق احکام قانون طور ذیل مجازات می‌گردد: (۱) در صورتیکه از شرایط مندرج جواز نامه، اجازه‌نامه، یا اجازه صادر شده یا هر امر دیگری که مطابق احکام این قانون صادر شده باشد، عمداً تخطی نماید، حسب احوال به حبس متوسط یا جزای نقدی معادل خسارت وارده یا هر دو جزا محکوم می‌گردد. (۲) در صورتیکه امر منع یا حکم مبنی بر رعایت احکام این قانون را عمداً تکمیل ننماید، حسب احوال به حبس الی شش ماه یا جزای نقدی معادل خسارت وارده محکوم می‌گردد. (۳) درصورتی‌که توضیحات نادرست و گمراه‌کننده را عمداً در یکی از موارد ذیل ارائه نماید، حسب احوال به حبس الی سه ماه یا جزای نقدی معادل خسارت و ارده یا هر دو جزا محکوم می‌گردد؛ به جواب استعلامی که ضمن آن معلومات ضروری مطابق احکام این قانون مطالبه گردیده است. به مقصد دریافت اجازه‌نامه که مطابق احکام این قانون صادر می‌شود. (۴) درصورتی‌که از اجراآت تنفیذ صلاحیت‌ها یا انجام وظایف قانونی مفتش عمداً ممانعت نماید، حسب احوال به حبس الی سه ماه یا جزای نقدی الی یک‌صد هزار افغانی یا هر دو محکوم می‌گردد.

ب: اداره ملی حفاظت محیط زیست می‌تواند سایر متخلفین احکام این قانون را کاهش جلوگیری از آلودگی هوا جریمه نقدی نماید. شرایط وضع شده و طرز تحصیل آن در مقرره جداگانه تنظیم می‌شود.

با پیش‌بینی این مجازات در قانون جزای افغانستان (کد جزا) مصوب ۱۳۹۶، علاوه‌برآن پاسخ‌های جزایی در برابر انواع جرایم ارتکابی در باب دوازدهم این قانون طی ۵ فصل و ۴۷ ماده به تعیین مجازات برای مرتکبین انواع جرایم علیه محیط زیست عناصر جاندار محیط زیست مانند قطع درختان و گیاهان، قتل حیوانات و پرندگان وغیره، و عناصر بی‌جان مانند آب، هوا وغیره پرداخته است. در پاسخ‌های جزایی به انواع جرایم علیه محیط زیست در این قانون، از مجازات شدید اعدام تا انواع حبس مقرر شده در این قانون و جزای نقدی، حسب احوال و نوع جرم ارتکابی در نظرگرفته‌شده است.

۴.۴ در نظام بین‌المللی

به دلیل پذیرفتن حاکمیت کشورها، رسیدگی به جرایم محیط‌زیستی به‌صورت دایمی آن متصور نیست؛ اما به‌خاطر باید داشت که اکثر کنوانسیون‌ها در زمینه محیط زیست به اثر حمایت و رأی کشورهای عضو و سایر نهادهای بین‌المللی مکانیزم‌های نظارتی الزام‌آورتری را مطرح‌نموده و ضمانت اجرا را به وجود آوردند که به گونه مثال از چند نمونه آرای قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان بریتانیا طور ذیل یادآوری می‌نماییم. یکم، در سال ۱۹۹۰ میلادی در یک دعوای زیست‌محیطی که به نام دعوای کراسا است بابل و دبیر علیه بریتانیا طرح دعوای می‌نمایند. در این دعوای شاکیان استناد به آلودگی صوتی ناشی از میدان هوایی که در نزدیکی محل سکونت ایشان قراردارد و کیفیت حقوقی زندگی افراد و بهره‌مندی آن‌ها از زندگی سالم را دچار خدشه کرده است، به دیوان بریتانیا شکایت می‌نمایند... دیوان بریتانیا به دلیل عدم محیط زیست سالم که ایشان را از مزایای زندگی خوش محروم نموده بود شکایت ایشان را موجه دانست.

همچنان در سال ۲۰۰۴ میلادی در یک دعوای دیگر، انویلدینه علیه ترکیه اقامه دعوای می‌کند. رویداد قضیه طوری است که یک انفجار در محل زباله‌دانی زغال صورت می‌گیرد و در نتیجه انفجار، خانه‌های نزدیک آن از بین می‌رود که زیان‌های مالی را به مردم محل به وجود می‌آورد. ساکنین محل علیه دولت اقامه دعوای

می‌نمایند محکمه داخلی ترکیه خیلی توجه به این شکایت شهروندان نمی‌کند. ایشان به محکمه اروپایی حقوق بشر مراجعه و از بی‌پروایی دولت شکایت می‌نمایند. محکمه اروپایی به ماده دوم اسناد خویش استناد نموده و چنین ابراز رأی می‌نماید: "هر کس حق بر حیات شان توسط قانون تنظیم می‌شود. هیچ‌کس را نمی‌توان از حق حیاتش محروم کرد. مجازات اشخاص توسط قانون صورت می‌گیرد. دیوان اشاره می‌کند که به دلیل اینکه ۹ تن اعضای خانواده شاکیان در نتیجه انفجار به قتل رسیده است؛ لذا دیوان متذکر شکایت شهروندان متضرر علیه ترکیه را موجه می‌داند هرچند که دولت ترکیه بر علاوه اینکه به شکایات ایشان رسیدگی نکرده است مواد اعلامیه را نیز رعایت نکرده است.

۵. نتیجه‌گیری

از مباحث ارائه‌شده در این نوشتار روشن می‌شود؛ با در نظرداشت معیارها و سیاست‌های پیش‌گیرانه در سطح بین‌المللی در خصوص محیط زیست، سیاست جنایی زیست‌محیطی افغانستان در پرتو قوانین زیست‌محیطی از جمله قانون محیط زیست افغانستان، تا حد زیادی از همگونی و نزدیکی برخوردار بوده است و جنبه‌های مختلف از پیش‌گیری مورد توجه قانون‌گذار افغانستان قرار داشته است؛ اما در جنبه واکنشی و تعیین مجازات و مواجه با جرایم زیست‌محیطی آنچه که در قوانین جزایی افغانستان از آن جمله کد جزای افغانستان به آن پرداخته شده و تعیین مجازات در خصوص انواع جرایم زیست‌محیطی آمده است، در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی توجه به آن نشده است.

نگاه قانون محیط زیست افغانستان در بعد پیش‌گیری از جرایم زیست‌محیطی بر دو محور کنترل آلودگی‌ها و پلان کاهش اثرات زیست‌محیطی استوار است. این دو حوزه دربردارنده سلسله اقداماتی مانند ممانعت عمومی و مکلفیت نگهداری محیط‌زیست، جوازنامه تنظیم زباله‌ها، جوازنامه تنظیم زباله‌های زیان‌بار، تصویب پلان کاهش اثرات زیست‌محیطی و کمیته اختصاصی ارزیابی پرداخت مصارف پلان کاهش اثرات را در بر دارد. در سیاست جنایی زیست‌محیطی بین‌المللی دراین‌خصوص، اعلامیه‌های ریو و استکهلم، منشور جهانی طبیعت و سایر اسناد بین‌المللی موجود، همچنان اسناد منطقه‌ای زیست‌محیطی، به‌صورت اجمالی و نگاه کلی به موضوع پیش‌گیری جرایم زیست‌محیطی تأکید دارد و جنبه‌های مختلف پیش‌گیری از آن‌ها قابل‌استنباط است.

در خصوص سیاست جنایی واکنشی در برابر جرایم زیست‌محیطی در اسناد بین‌المللی باید خاطرنشان کرد؛ به دلیل اینکه جامعه بین‌المللی فاقد قوه مجریه (پلیس ارتش وغیره) است در کنفرانس‌های بین‌المللی از جمله کنفرانس محیط زیستی استکهلم بیشتر به تعهدات و مسئولیت دولت‌ها در امر حفاظت از محیط زیست و یا عملی ساختن اسناد مرتبط به محیط زیست تأکید صورت‌گرفته است؛ تا آنجا که اعلامیه به کاربرده شده فاقد الزام لازم در خصوص محیط زیست است. اما سیاست جنایی واکنشی در قوانین افغانستان مانند قانون محیط زیست و کد جزای این کشور اقداماتی پیش‌بینی نموده است که از آن جمله می‌توان به؛ اقدامات ابتدائی بررسی آلودگی محیط زیست و توقف آلوده‌ساز (مفتشین)، اقدامات اجرایی (امر به منع و حکم مبنی بر رعایت) مجازات متخلفین زیست‌محیطی، ناقضین حقوق محیط زیست اشاره نمود. هر چند در یک نگاه کلی نمی‌توان سیاست جنایی تقنینی افغانستان در قبال محیط زیست را یک سیاست کامل و همه‌جانبه خواند، زیرا با کمبودها و

مشکلاتی زیادی همراه است، اما اجرایی ساختن آنچه که در این قوانین به آن پرداخته شده است می‌تواند راهگشا بوده و اثر مهم و ارزنده را در حمایت و حفاظت از محیط زیست ایفا نماید.

۶. منابع و مآخذ

۱- آرش پور، علیرضا، (۱۳۹۲) مسئولیت بین‌المللی نقض تعهدات زیست‌محیطی، تهران، انتشارات جاودانه جنگل، چاپ اول.

۲- انسان‌دوست، محمد صابر (۱۳۹۶) نظام حقوقی حفاظت از محیط زیست افغانستان، کابل، انتشارات سعید، چاپ دوم.

۳- پوربافرانی، حسن، همتی، مرضیه، (۱۳۹۵) نقد سیاست جنایی ایران در قبال جرایم زیست‌محیطی، فصل نامه مجلس و راهبرد، سال ۲۳، شماره ۸۷.

۴- راب وایت، (۱۳۹۴) جرایم علیه طبیعت، ترجمه: پیمان نمائیان و سبحان طیبی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.

۵- رضوی فرد، بهزاد (۱۴۰۱) سیاست جنایی در برابر بزهکاری زیست‌محیطی از منطقه‌ای تا جهانی‌شدن، تهران، نشر میزان، چاپ اول.

٦- عبداللهی، محسن، (۱۳۸۶) حمایت کیفری از محیط زیست، تأملی بر بایسته‌های حمایت کیفری زیست‌محیطی، مجله علوم محیطی، سال پنجم شماره ۱

۷- عظیم‌زاده، شادی (۱۳۸۴) جلوه‌های پویای سیاست جنایی در حمایت از زنان بزه‌دیده. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳

۸- علیپور، حمزه، کفشگر، ابوالقاسم، (۱۳۹۷) سیاست جنایی تقنینی ایران در حوزه جرائم زیست‌محیطی رویکرد پیشگیرانه، فصلنامه رهیافت پیشگیری، ۱(۳)، ۷۰-۵۳ گل‌دوزیان، ایرج (۱۳۷۶) حقوق جزای عمومی ایران، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، جداول.

۹- لازرژ، کریستین. (۱۳۸۱). درآمدی به سیاست جنایی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران، نشر میزان.

۱۰- نیازپور، امیرحسن، (۱۴۰۲) پیشگیری از جرم، انتشارات دادگستر، تهران، چاپ دوم.

۱۱- وزیری هامانه (یگانه)، معصومه (۱۳۹۷) آثار مسئولیت بین‌المللی دولت و شرایط رافع آن، چهارمین کنفرانس ملی توانمندسازی جامعه در حوزه علوم‌انسانی و مطالعات اجتماعی، تهران.

۱۲- قانون محیط‌زیست افغانستان، مصوب ۱۳۸۴.

۱۳- کد جزای افغانستان، مصوب ۱۳۹۶.

۱۴- مقرره کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا در افغانستان، مصوب ۱۳۸۸.

۱۵- اعلامیه بین‌المللی استکهلم، مصوب ۱۹۷۲ میلادی.

۱۶- مشور جهانی طبیعت، ۱۹۸۲ میلادی.

۱۷- اعلامیه ریو، مصوب ۱۹۹۲ میلادی.